

نقش محوری نماز در تعالی فرهنگی از دیدگاه قرآن کریم

محمد شریفی^۱

چکیده

نماز، از سویی اولین، مهم‌ترین و با اولویت‌ترین واجبات الهی است که از زمان خلقت حضرت آدم علیه السلام وضع شد تا از این طریق، رابطه‌ی انسان‌ها را در تمام طول شبانه روز با خالق هستی زنده نگه دارد و عامل اصلاح رفتار، گفتار و کردار و به اصطلاح، تعالی فرهنگ آن‌ها باشد. نماز، مقدس‌ترین رابطه‌ی میان خالق و مخلوق است. نماز، برترین عبادت‌هاست؛ اگر در درگاه خداوند پذیرفته شود، همه‌ی عبادت‌های دیگر پذیرفته خواهد شد و اگر پذیرفته نگردد، عبادت‌های دیگر ارزشی ندارد. از سوی دیگر، نماز، معبر اصلی هدایت و تعالی فرهنگی و مهم‌ترین راه فرهنگ‌سازی الهی و یک هنرنمایی الهی است که خداوند تمام ارزش‌ها را به نحوی در آن قرار داده است. نتایج این پژوهش که به روش توصیفی و با بررسی تحلیلی-توصیفی آیات قرآن انجام شده گویای این است که نماز با ملاحظه‌ی آداب و شرایط آن، نقش محوری در فرهنگ‌سازی و تعالی فرهنگی در بین انسان‌ها و خصوصاً جوامع اسلامی دارد و در دین اسلام، همه اهداف فرهنگی از قبیل اخلاص و یکرنگی؛ تعاون و همکاری؛ ایثار و انفاق؛ جهاد و شهادت؛ امر به معروف و نهی از منکر؛ عفاف و حجاب؛ نظم و انضباط اجتماعی، برابری و برادری و همچنین فرهنگ تربیت دینی بر پایه‌ی نماز بنا نهاده شده است.

واژگان کلیدی: نماز، قرآن، فرهنگ، تعالی فرهنگی.

^۱ استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران (m. sharifi@umz. ac. ir)

مقدمه

تلاش‌های همه انبیای الهی از آدم تا خاتم از آغاز اساساً یک انقلاب فرهنگی و با هویت دینی و فرهنگی بوده است. به یقین می‌توان گفت اولین و مهم‌ترین دستور خداوند از زمان آدم تا خاتم، به همه فرستادگانش در جهت تعالی و رشد انسان‌ها در همه جوانب و به‌ویژه فرهنگ دینی، امر به اقامه‌ی نماز بوده است. نماز، مهم‌ترین و مقدس‌ترین رابطه‌ی میان خالق و آفریده‌ها و نقشه راه زندگی است که هم وظیفه خطیر فرهنگ سازی را به عهده دارد و هم نقش محوری در تعالی فرهنگی دارد.

مسائل فرهنگی نیز شامل مؤلفه‌های زیادی از قبیل عفاف و حجاب، تعاون و همکاری؛ ایشار و انفاق؛ جهاد و شهادت؛ امر به معروف و نهی از منکر؛ نظم و انضباط اجتماعی، تربیت دینی رعایت حقوق دیگران و... می‌شود که در همه جوامع انسانی، فرهنگ در کنار دین، مطرح بوده است و می‌توان گفت مهم‌ترین نقش در تعالی فرهنگی را دین و تکالیف دینی ایفا می‌کرده است.

از میان تکالیف دینی که از سوی خداوند متعال برای رشد و تعالی انسان‌ها رسیده است؛ «نماز»، نقش محوری در تکالیف دینی و سایر امور زندگی و از جمله، مسائل فرهنگی دارد. نگارنده در این پژوهش می‌کوشد با محور قرار دادن آیات قرآن کریم و بررسی تطبیقی و موضوعی آیات نماز، مهم‌ترین نقشه‌هایی را که نماز می‌تواند در تعالی فرهنگی یک جامعه اسلامی ایفا کند، واکاوی نماید.

گرچه تاکنون کتاب‌ها و مقالات متعددی از طرفی در موضوع نماز و اهمیت آن و نقش آن در زندگی انسان‌ها و از طرف دیگر در موضوع فرهنگ و جایگاه آن در زندگی انسان‌ها به رشته تحریر درآمده و همچنین همایش‌ها و اجلاس‌هایی در این دو موضوع برگزار شده است؛ ولی تا کنون توجه خاص و ویژه به موضوع نقش محوری نماز در تعالی فرهنگی بر اساس آموزه‌های قرآن کریم نشده است؛ از این رو انجام این تحقیق، با توجه به شرایط روز و کمی توجه به نماز و نقش آن در تعالی و پیشرفت فرهنگی امری ضروری می‌نماید.

مفهوم شناسی

منظور از تعالی، بلند شدن، برتر شدن، پیشرفت و ترقی است (دهخدا، ۱۳۷۹، ذیل واژه؛ معین، ۱۳۷۵، ذیل واژه) و تعالی فرهنگی یا اعتلای فرهنگی یعنی رشد فرهنگ دینی و افزایش آگاهی و توسعه و ترویج فرهنگ

^۱ به عنوان نمونه، آقای عباس عزیزی، کتابی با عنوان: «تفسیر و پیام آیات نماز» (عزیزی، ۱۳۷۸)؛ آقای فضل الله خالقیان، مطلبی بسیار مختصر با عنوان: «جایگاه نماز در قرآن کریم، سنت و سیره معصومین علیهم السلام» (خالقیان، ۱۳۹۲)؛ آقای روح الله صمدی، مقاله‌ای با عنوان: «قرآن کریم فرهنگ عفاف و حجاب: بررسی اهمیت نماز و عفاف از دیدگاه قرآن و روایات» (صمدی، ۱۳۸۹) به رشته تحریر درآورده‌اند. همچنین در اجلاس‌هایی که هرسال با موضوع نماز برگزار می‌گردد، به بررسی بخشی از ابعاد نماز می‌پردازند.

و معارف اسلامی و دینی است. حدود پانصد معنا از سوی جامعه شناسان برای واژه‌ی «فرهنگ» بیان شده که مهم‌ترین و جامع‌ترین تعاریف فرهنگ عبارت است از: ۱- فرهنگ دربرگیرنده‌ی اعتقادات، ارزش‌ها و اخلاق و رفتارهای متأثر از این سه، و همچنین آداب و رسوم و عرف یک جامعه معین تعریف می‌شود. ۲- در گونه‌ای دیگر از تعاریف، آداب و رسوم شالوده اصلی فرهنگ تلقی می‌شود و صرفاً ظواهر رفتارها، بدون در نظر گرفتن پایه‌های اعتقادی آن، به عنوان فرهنگ یک جامعه معرفی می‌گردد. ۳- نزد گروهی دیگر، فرهنگ به عنوان «عاملی که به زندگی انسان معنا و جهت می‌دهد» شناخته می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۶، ص ۱۵۰).

نماز؛ راه فرهنگ سازی الهی

نماز نشانه و نماد فرهنگی و پیشانی فرهنگی جامعه اسلامی است. آن چه در یک جامعه‌ی متمدن و دارای فرهنگ متعالی باید نمایان باشد، مسأله نماز و اقامه نماز است. خداوند متعال می‌فرماید: «الَّذِينَ إِن مَّكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ» ﴿حج: ۴۱﴾: کسانی که هرگاه در زمین به آن‌ها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند.

" مکتا" از ماده " تمکین "، و " تمکین " به معنی فراهم ساختن وسایل و ابزار کار است، اعم از آلات و ادوات لازم یا علم و آگاهی کافی و توان و نیروی جسمی و فکری (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴: ج ۱۴، ص ۱۱۸). تمکین، قدرت بخشیدن و ابزار کار را در اختیار دیگری قرار دادن و راهنمایی کردن بر انجام کار است؛ یعنی ما به آن‌ها وسایل کارها را عطا کردیم و در زمین قدرت بخشیدیم تا نماز بگذارند و حقوق واجب مالی را ادا کنند (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۷، ص ۱۴۰).

بر اساس این آیه هدف از فراهم ساختن وسایل و امکانات برای مؤمنان، برپایی نماز قبل از هر چیز معرفی شده است؛ از این رو خداوند متعال، اولین وظیفه مدیران و مسؤولان حکومت را برپایی نماز معرفی کرده و این بهترین راه فرهنگ سازی نماز و امور دینی است.

نماز؛ مانع گناه در راه تعالی فرهنگی

شاید بتوان گفت اولین و مهم‌ترین عامل در تعالی فرهنگی، گناه نکردن و پاک بودن از هر عمل خلاف دین، عقل و عرف است و این نماز است که انسان را در رسیدن به فرهنگ والا یاری می‌کند.

گناهان، اثری تاریک کننده و کدورت آور بر دل آدمی باقی می‌گذارد و در نتیجه میل و رغبت به کارهای نیک و خدائی کاهش می‌گیرد و رغبت به گناهان دیگر افزایش می‌یابد. متقابلاً عبادت و بندگی و در یاد خدا بودن وجدان مذهبی انسان را پرورش می‌دهد، میل و رغبت به کار نیک را افزون می‌کند و از میل و

رغبت به شر و فساد و گناه می‌کاهد.

به تعبیر پیامبر (صلی الله علیه و آله) نماز همانند رودخانه‌ای جاری بر در خانه است که انسان در هر شبانه روز پنج بار خود را در آن شستشو می‌دهد غسل می‌کند و هیچ آلودگی و چرکی بر بدن او باقی نمی‌ماند و این چنین نماز هم انسان را از گناه ننگه می‌دارد و هم اثر گناهان را با خود می‌برد (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۱، ص: ۳۱۶).

خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَى النَّهَارِ وَ زُلْفَاً مِّنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلذَّكْرَيْنِ» ﴿هود: ۱۱۴﴾: نماز را در دو طرف روز و اوائل شب برپا دار، چرا که حسنات، سیئات (و آثار آن‌ها را) بر طرف می‌سازند، این تذکری است برای آن‌ها که اهل تذکرند. در این آیه، نخست فرمان به اقامه نماز داده و سپس برای اهمیت نماز روزانه خصوصاً و همه عبادات و طاعات و حسنات عموماً چنین می‌گوید: حسنات، سیئات را از میان می‌برند.

همچنین بر اساس آیه «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» ﴿عنکبوت: ۴۵﴾ می‌توان گفت طبیعت نماز از آنجا که انسان را به یاد نیرومندترین عامل بازدارنده یعنی اعتقاد به مبدأ و معاد می‌اندازد، دارای اثر بازدارندگی از فحشاء و منکر است. به اعتقاد یکی از مفسران معاصر، بدون شک در قلب و روح چنین انسانی جنبشی به سوی حق و حرکتی به سوی پاکی و جهشی به سوی تقوا پیدا می‌شود. برای خدا «رکوع» می‌کند، و در پیشگاه او پیشانی بر خاک می‌نهد، غرق در عظمت او می‌شود و خودخواهی‌ها و خود برتر بینی‌ها را فراموش می‌کند. شهادت به یگانگی او و گواهی به رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌دهد. بر پیامبرش درود می‌فرستد و دست به درگاه خدای بر می‌دارد که در زمره بندگان صالح او قرار گیرد (تشهد و سلام). همه این امور موجی از معنویت در وجود او ایجاد می‌کند، موجی که سد نیرومندی در برابر گناه محسوب می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ج ۱۶، ص).

نماز؛ تعالی بخش فرهنگ اخلاص و یکرنگی

خداوند متعال در مذمت نماز برخی نماز گزاران می‌فرماید: «قَوْلٌ لِلْمُصَلِّينَ، الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ، الَّذِينَ هُمْ يَرَاؤُنَ» ﴿مَاعون: ۴-۶﴾: «پس وای بر نماز گزارانی که در نماز خود سهل انگاری می‌کنند، همان کسانی که ریا می‌کنند». همچنین خطاب به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، لَا شَرِيكَ لَهُ وَ بِذَلِكَ أُمِرْتُ وَ أَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ» ﴿انعام: ۱۶۲-۱۶۳﴾: «بگو همانا نماز و تمام عبادات و زندگی و مرگ من، همه برای خداوند پروردگار جهانیان است - شریکی برای او نیست، و به همین دستور یافته‌ام، و من نخستین مسلمان هستم».

در این دو آیه سفارش به اخلاص شده و از هرگونه شرک نهی شده است. روح و مغز نماز، اخلاص است و اگر عمداً کوچک‌ترین راه نفوذی، از آلودگی شرک و ریا را به حریم پاک و باصفای نماز راه بدهیم آن

نماز باطل خواهد شد، و نه تنها به صورت کالبدی بی روح و جسدی بی انگیزه و فاقد اثر معنوی درخواست خواهد آمد، بلکه کانون شرک و انحراف خواهد گردید (دستغیب، ۱۳۸۶: ص ۱۴۳).

در سوره انعام، نماز از سایر عبادات، مقدم داشته شده و به خصوص ذکر گردیده است؛ زیرا «نسک» به معنی عبادات است و منظور از جمله «إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ» این است که آن جناب، اخلاص بندگی خود را در نماز و عبادات دیگر و زندگی و مرگ اظهار کند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۷، ص ۳۹۳) و نیز نماز و عبادت بر زندگی و مرگ مقدم داشته شده است، و این تقدم بیانگر ارزش فوق العاده، نماز نسبت به سایر عبادات و موضوعات است.

آیات فوق روشنگر روح اسلام و حقیقت تعلیمات قرآن است، از نظر عقیده و ایمان، دعوت به صراط مستقیم، دعوت به آئین خالص ابراهیم بت شکن، و دعوت به نفی هر گونه شرک و دوگانگی و چندگانگی و از نظر عمل، دعوت به اخلاص و خلوص نیت و همه چیز را برای خدا بجا آوردن است، برای او زنده بودن و در راه او جان دادن، و همه چیز را برای او خواستن، به او دلبستن و از غیر او گسستن، به او عشق ورزیدن و از غیر او بیزاری جستن است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴: ج ۶، ص ۶۲).

نماز؛ تعالی بخش فرهنگ نظم و انضباط

خداوند متعال در آیات متعددی به وقت نماز، اشاره کرده است: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَ زُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ» ﴿هود: ۱۱۴﴾ و نماز را در دو طرف روز و ساعات نخستین شب برپا دار که یقیناً نیکی‌ها بدی‌ها را از میان می‌برند، این برای یادکنندگان تذکر و یادی است. «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُوداً» ﴿اسراء: ۷۸﴾ نماز را از ابتدای تمایل خورشید به جانب مغرب [که شروع ظهر شرعی است] تا نهایت تاریکی شب بر پا دار، و [نیز] نماز صبح را [اقامه کن] که نماز صبح مورد مشاهده [فرشتگان شب و فرشتگان روز] است.

نماز، روح نظم و انضباط در انسان را تقویت می‌کند (فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۲۱، ص ۳۸۲). چون نماز باید در اوقات معینی از روز و شب انجام بگیرد که تقدم و تأخر آن موجب بطلان می‌شود؛ واضح است مقید بودن به رعایت وقت، انسان و جامعه را منظم می‌کند. از این رو، نماز مهم‌ترین عامل در ایجاد و تعالی فرهنگ نظم و انضباط در جامعه است.

نماز؛ تعالی بخش فرهنگ تعاون و همکاری

خداوند در سوره حج می‌فرماید: «فَأَقِمْوَا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ» ﴿حج: ۷۸﴾ پس نماز را برپا دارید، و زکات را بدهید، و به خدا تمسک جوئید.

همکاری و تعاون افراد جامعه با یکدیگر غالباً در نماز جماعت بیش از سایر اجتماعات به چشم می‌خورد. مراعات حقوق یکدیگر، یاری رساندن به هم‌نوع، رسیدگی به مشکلات برادران دینی و... در نماز جماعت مطرح شده است. نمازگزاران با حضور خود در صفوف نماز جماعت به آیه «اعتصموا به جبل الله» جامه عمل می‌پوشانند. از نتایج این وحدت و یکپارچگی، نیکی و خوشرفتاری با یکدیگر است. چنانچه امام صادق (ع) می‌فرماید: «به هم پیوندید و با هم نیکی کنید و به هم مهربانی کنید و برادران خوشرفتاری باشید، چنانکه خدای عزوجل به شما فرموده» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۳، ص ۲۶۹).

مسلمان با نماز شناخته می‌شود و یکی از ویژگیهای مسلمان، اهتمام و توجه به دیگر مسلمانان است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «من اصبح لا یهتم به امور المسلمین فلیس به مسلم» (همان، ص ۲۵۱): هر کس صبح کند و اهتمامی به کار مسلمانان ندارد، پس مسلمان نیست. «

بر اساس این آیات، ارتباط نماز با روحیه تعاون و همکاری این است که مسلمانی که به نماز اهمیت می‌دهد می‌فهمد که اولاً اهمیت نماز به اقامه و جماعت بودن آن و شرکت در نماز جماعت است و نتیجه حضور در جماعت، آشنایی با مشکلات دیگران و در نتیجه کمک به یکدیگر خواهد بود؛ همچنین بر اساس روایت ذکر شده، مسلمانی که به امور سایر مسلمانان اهتمام نداشته باشد مسلمان نیست و نماز و سایر عبادات او قبول نخواهد بود؛ از این رو شرط قبولی نماز، توجه به سایر شروط قبولی نماز و از جمله توجه به سایر انسان‌ها و دادن زکات و... می‌باشد.

نماز؛ تعالی بخش فرهنگ ایثار و انفاق

در برخی از آیات، نماز و انفاق قرین هم آمده‌اند: «وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً» (رعد: ۲)؛ و آن‌ها که به خاطر ذات (پاک) پروردگارشان شکیبایی می‌کنند؛ و نماز را برپا می‌دارند؛ و از آنچه به آن‌ها روزی داده‌ایم، در پنهان و آشکار، انفاق می‌کنند. «الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (انفال: ۳-۴)؛ و نماز را با حضور قلب بپا می‌دارند و از هر چه روزی آن‌ها کردیم، انفاق می‌کنند.

در این آیات، یکی از شرایط نماز، انفاق در راه خداوند است. توجه به شرط قبولی نماز، باعث تشویق نمازگزار در انفاق و رفع نیاز از هم‌نوع خود می‌شود. مؤمن علاوه بر ایجاد رابطه نزدیک با خدا که به وسیله نماز صورت می‌گیرد، در بهینه‌سازی رابطه خود با جامعه نیز تلاش می‌کند که یک راه آن پرداختن حقوق مالی از قبیل زکات و خمس و دادن صدقات است (جعفری، بی‌تا: ج ۴، ص ۳۲۵).

سوره انسان و خصوصاً آیه «وَيَطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا» (انسان: ۸)؛ و غذای (خود) را با اینکه به آن علاقه (و نیاز) دارند، به «مسکین» و «یتیم» و «اسیر» می‌دهند! درشان اولین

نماز گزارانی است که خداوند ایثار آن‌ها را مدح می‌کند.

از این آیات استنباط می‌شود که کسانی می‌توانند توفیق انفاق و ایثار داشته باشند که نماز گزار باشند و این نماز است که عامل به وجود آمدن روحیه انفاق و ایثار و تعالی این فرهنگ در بین انسان‌ها است. چراکه بارها تأکید شده که شرط قبولی نماز، توجه به سایر شرایط نماز از جمله دادن زکات و انفاق و... می‌باشد؛ گرچه شاید کسانی که نماز نمی‌خوانند، روحیه انفاق را دارند؛ اما در نماز گزار واقعی، این روحیه بیشتر و با اخلاص بیشتر همراه است.

نماز؛ تعالی بخش فرهنگ جهاد و شهادت

خداوند متعال در سوره حج، یکی از فلسفه‌های جهاد را جلوگیری از تخریب نمازخانه‌ها و عبادتگاه‌ها بیان می‌کند: «وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمْتُمْ صَوَامِعُ وَبِيعَ وَصَلَوَاتُ وَ مَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا...» (حج: ۴۰). و اگر خداوند بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه‌ها، و معابد یهود و نصارا، و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می‌شود، ویران می‌گردد!

بر اساس این آیه حتی به قیمت خون دادن، باید از مکان نماز و عبادات، حفاظت و حراست کرد. این آیه در مقام تعلیل، نسبت به تشریح قتال و جهاد قرار دارد و حاصلش این است که تشریح قتال به منظور حفظ مجتمع دینی از شر دشمنان دین است که می‌خواهند نور خدا را خاموش کنند؛ زیرا اگر جهاد نباشد همه معابد دینی و مشاعر الهی ویران گشته عبادات و مناسک از میان می‌رود (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۴، ص ۳۸۴).

همچنین در سوره نساء می‌خوانیم: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كَتَبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً» (نساء: ۷۷). آیا ندیدی کسانی را که (در مکه) به آن‌ها گفته شد: (فعالاً) دست از جهاد بردارید! و نماز را برپا کنید! و زکات بپردازید! «اما آن‌ها از این دستور، ناراحت بودند، ولی هنگامی که (در مدینه) فرمان جهاد به آن‌ها داده شد، جمعی از آنان، از مردم می‌ترسیدند، همان گونه که از خدا می‌ترسند، بلکه بیشتر!

خداوند در این آیه به مسلمانان دستور می‌دهد که دست به شمشیر نبرند، و هم چنان به اقامه شعائر دین (نماز و زکات) بپردازند تا استخوان‌بندی دین محکم شود، و نیروی مقابله با کفار را پیدا کنند، آن وقت است که خدای تعالی به آنان اجازه جهاد خواهد داد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۵، ص ۶).

اقامه‌ی نماز در خودسازی و آمادگی برای جهاد و فداکاری نقش محوری دارد و تا نماز جایگاه خود را در جامعه نیابد، شرایط برای مبارزه و جهاد آماده نمی‌شود (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶: ج ۳، ص ۴۷۶).

نماز؛ تعالی بخش فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر

لقمان حکیم ضمن بیان سفارشاتى به پسرش، به او توصیه مى‌کند که: «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ اَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (لقمان: ۱۷)؛ ای پسرک من، نماز بگزار، و امر به معروف و نهی از منکر کن و بر هر چه بر تو رسد صبر کن که این از کارهایی است که نباید سهلش انگاشت.

نماز مهم‌ترین پیوند با خالق است، نماز قلب را بیدار و روح را مصفی و زندگی روشن می‌سازد. آثار گناه را از جان نمازگزار می‌شوید و انسان را از فحشاء و منکرات باز می‌دارد.

بعد از برنامه نماز به مهم‌ترین دستور اجتماعی یعنی "امر به معروف و نهی از منکر" پرداخته می‌گردد: "مردم را به نیکی‌ها و معروف دعوت کن و از منکرات و زشتی‌ها باز دار. و بعد از این سه دستور مهم عملی به مسأله صبر و استقامت که در برابر ایمان همچون سر نسبت به تن است، پرداخته می‌گردد: «در برابر مصائب و مشکلاتی که بر تو وارد می‌شود، صابر و شکیبیا باش که این از وظائف حتمی و کارهای اساسی هر انسانی است: «وَ اصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ».

مسلم است که در همه کارهای اجتماعی مخصوصاً در برنامه امر به معروف و نهی از منکر، مشکلات فراوانی وجود دارد، و سود پرستان سلطه‌جو، و گنهکاران آلوده و خودخواه، به آسانی تسلیم نمی‌شوند، و حتی در مقام اذیت و آزار، و متهم ساختن آمران به معروف و ناهیان از منکر بر می‌آیند که بدون صبر و استقامت و شکیبایی هرگز نمی‌توان بر این مشکلات پیروز شد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴: ج ۱۷، ص ۵۳).

در سوره عنکبوت می‌خوانیم: «وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ لَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ» (عنکبوت: ۴۵)؛ و نماز را برپا دار، که نماز (انسان را) از زشتی‌ها و گناه بازمی‌دارد، و یاد خدا بزرگ‌تر است.

نماز، در تعالی فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر نقش بسیار کلیدی دارد؛ چون طبیعت نماز از آنجا که انسان را به یاد نیرومندترین عامل بازدارنده یعنی اعتقاد به مبدأ و معاد می‌اندازد دارای اثر بازدارندگی از فحشاء و منکر است. هر نمازی به همان اندازه که از شرایط کمال و روح عبادت برخوردار است نهی از فحشاء و منکر می‌کند.

انجام نماز لطف پروردگار بر انسان است چون موجب می‌شود تا فعل زشت و معصیت که نه عقل جایز می‌داند و نه شرع آن را اجازه می‌دهد، از انسان سر نزند و انسانی که نماز را با توجه به معنی و خشوع قلب بخواند، جنبه سازندگیش آن چنان قوی است که انسان را خود به خود از رذائل و گناهان باز می‌دارد (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۷-۸، ص ۴۴۵).

ممکن نیست کسی نماز بخواند و هیچگونه اثری در او نبخشد هر چند نمازش صوری باشد و هر چند آلوده گناه باشد، البته این گونه نماز تاثیرش کم است، این گونه افراد اگر همان نماز را نمی خواندند از این هم آلوده تر بودند.

اما آن‌ها از این حقیقت غافل شده‌اند که نهی در اینجا فقط " نهی تشریحی " نیست، بلکه " نهی تکوینی " است، ظاهر آیه این است که نماز اثر بازدارنده دارد، البته مانعی ندارد که بگوئیم نماز هم نهی تکوینی از فحشاء و منکر می کند و هم نهی تشریحی (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴: ج ۱۶، ص ۲۸۶).

نماز؛ تعالی بخش فرهنگ عفاف و حجاب

خداوند متعال در قرآن کریم در توصیف مؤمنان، پاکدامنی و عفت را بعد از نمازگزار بودن آن‌ها آورده است: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ، الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ، وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ، وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ، وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ» (مؤمنون: ۱-۵): مؤمنان رستگار شدند، آن‌ها که در نمازشان خشوع دارند، و آن‌ها که از لغو و بیهودگی روی گردانند، و آن‌ها که زکات را انجام می دهند، و آن‌ها که دامان خود را (از آلوده شدن به بی عفتی) حفظ می کنند.

در لسان العرب ذیل واژه عَفَّتْ چنین آمده است: «الكَفَّ عَمَّا لَا يَحِلُّ وَلَا يَجْمَلُ؛ عَفَّ عَنِ الْمَحَارِمِ وَالْإِطْمَاعِ الدُّنْيَا» (ابن منظور، ۱۹۹۷: ج ۹، ص ۲۵۲): خودداری از آنچه که زیبا و شایسته نیست، خودداری از حرام‌ها و طمع‌های پست. همچنین در قاموس المحيط می خوانیم: «عَفَّتْ: كَفَّ عَمَّا لَا يَحِلُّ وَلَا يَجْمَلُ كَاسْتَعْفَّ وَ تَعَفَّفَ» (فیروز آبادی، بی تا: ج ۳، ص ۱۷۷): خودداری از آنچه زیبا و شایسته نیست مانند استعفف و تعفف.

آنچه از جستجو در کتاب‌های لغت می توان فهمید این است که «عَفَّتْ» به معنای نگه داشتن نفس از ارتکاب معاصی و کارهای حرام است. «عفاف» حالتی درونی و نفسانی است که غرایز را تعدیل و تحت کنترل خود در می آورد، و «حجاب» نیز به عنوان یکی از مهم ترین ابعاد عَفَّتْ به کنترل درآوردن و تعدیل غریزه خودنمایی و جلوه گری در زنان می باشد.

نماز حقیقتی است که ظاهر و باطن انسان را در گردونه طهارت و پاکی مادی و معنوی قرار می دهد و درون و برون را زینت می بخشد و برای نمازگزار، نورانیتی خاص ایجاد می کند (انصاریان، ۱۳۸۲: ۲۱). مهم ترین ویژگی مؤمنان نمازگزار آن است که بر حلال خود اکتفا می کنند و خود را به زنا و... آلوده نمی کنند (امین، ۱۳۶۱: ج ۱۲، ص ۱۰۶). قطعاً به وسیله نماز می توان کنترل غریزه نمود و دامن را از بی عفتی و گناه حفظ کرد (عزیزی، ۱۳۸۹: ص ۱۱۳).

نماز؛ تعالی بخش فرهنگ برابری و برادری

در قرآن کریم می‌خوانیم: «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاقْرَأُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا» ﴿مزل: ۲۰﴾: و نماز به پا دارید و زکات بدهید و به خدا قرض نیکو دهید و برای خدا به محتاجان قرض الحسنه دهید... «قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» ﴿اعراف: ۲۹﴾: بگو: «پروردگام امر به عدالت کرده است؛ و توجّه خویش را در هر مسجد (و به هنگام عبادت) به سوی او کنید!».

هرگاه انسان نماز را با نیت خالص و با حفظ تمام ارکان آن و با مداومت اقامه کرد آنگاه همه چیز را از خدا و به سوی او می‌داند و لذا مال خود را انفاق می‌کند و به نیازمندان قرض الحسنه می‌دهد. حال چون از همه بدی‌ها پیراسته شده، در جهت آراسته شدن جامعه به صفات انسانی، تلاش و کوشش می‌کند و حتی از بذل جان خود نیز دریغ نمی‌ورزد. نیز هرگاه از او در امری نظر بخواهند، بدون سوء نیت، تمام اطلاعات و دانسته‌های خود را بدون کم و کاست در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد و به این ترتیب در برقراری عدالت در تمام شئون آن کمک می‌کند.

با توجه به آیه اخوت که خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» ﴿حجرات: ۱۰﴾ باید گفت همه مؤمنان برادر یکدیگرند، و نزاع و درگیری میان آن‌ها باید جای خود را به صلح و صفا بدهد. از این رو، نماز گزار واقعی که خود را مؤمن می‌داند به خوبی درک می‌کند که مؤمنان برادر یکدیگرند و در خوشی‌ها و ناخوشی‌ها یکدیگر را درمی‌یابند، به یکدیگر قرض الحسنه می‌دهند، ربا نمی‌گیرند، با قسط و عدل با یکدیگر برخورد می‌کنند.

نماز؛ تعالی بخش فرهنگ تربیت دینی

تربیت، زمینه ساز شکوفایی و تقویت رفتارها و اخلاق و آداب صحیح و از همه مهم‌تر یک فرهنگ متعالی است. خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالِكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ» ﴿حجرات: ۲﴾: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! صدای خود را فراتر از صدای پیامبر نکنید، و در برابر او بلند سخن مگویید (و داد و فریاد نزنید) آن گونه که بعضی از شما در برابر بعضی بلند صدا می‌کنند، مبدا اعمال شما نابود گردد در حالی که نمی‌دانید.

در این آیه شریفه اشاره به حفظ حرمت مربی شده که مربی ملزم به رعایت آن است. به این معنا که هرگاه انسان‌های هدایت نیافته و تربیت نشده به دیده‌ی عظمت به مربی خود ننگرند، در سخنان تربیتی او راهکارهای تربیتی پیدا نخواهند کرد.

اقامه‌ی نماز مورد رضای خداوند، نمازگزار را در بسیاری از موارد، تربیت می‌کند: رعایت حقوق دیگران، احترام به امام جماعت و دیگران، خصوصاً افراد مسن و حتی کودکان، نظم و ترتیب، بلند نکردن صدا و... از طرف دیگر، حضور در نماز جماعت و جمع تربیت شده می‌تواند آداب و اخلاق مقبول جامعه اسلامی را به نمازگزار بیاموزد.

علمای تربیتی به این مطلب معترف‌اند که التزام به قواعد و قوانین اخلاقی، نوعی در قید شدن است و انسان‌های خویشتن دار بهتر می‌توانند این قید را بر خویشتن تحمیل کنند. مناسک دین نوعی تمرین برای خویشتن داری و تحمل قیود است و می‌تواند مقاومت در برابر جاذبه‌های نفسانی را افزایش دهد و موانع زیست اخلاقی را کم کند (حاجی ده آبادی، ۱۳۷۸: ص ۱۰۱).

نتیجه‌گیری

نماز از سویی مقدس‌ترین رابطه‌ی میان خالق و مخلوق و برترین عبادت‌هاست؛ اگر در درگاه خداوند پذیرفته شود، همه‌ی عبادت‌های دیگر پذیرفته خواهد شد و از سوی دیگر معبر اصلی هدایت و مهم‌ترین راه فرهنگ‌سازی الهی و یک هنرنمایی الهی است که مهم‌ترین نقش را در تعالی فرهنگی ایفا کرده است.

با محور قرار دادن آیات قرآن کریم و بررسی تطبیقی و موضوعی آیات نماز، مهم‌ترین نقشه‌هایی را که نماز می‌تواند در تعالی فرهنگی یک جامعه اسلامی ایفا کند، عبارت‌اند از:

نماز؛ تعالی بخش فرهنگ اخلاص و یکرنگی؛ تعالی بخش فرهنگ نظم و انضباط؛ تعالی بخش فرهنگ تعاون و همکاری؛ تعالی بخش فرهنگ ایثار و انفاق؛ تعالی بخش فرهنگ جهاد و شهادت؛ تعالی بخش فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر؛ تعالی بخش فرهنگ عفاف و حجاب؛ تعالی بخش فرهنگ برابری و برادری؛ تعالی بخش فرهنگ تربیت دینی.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم؛ بر اساس ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
۲. آلوسی، سید محمود، (بی‌تا)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۳. امین، نصرت بیگم، (۱۳۶۱)، تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن، تهران، نهضت زنان مسلمان.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرّم، (۱۹۹۷)، لسان العرب، الطبعة الاولى، بیروت، دار صادر.
۵. انصاریان، حسین، (۱۳۸۲)، توبه آغوش رحمت، قم، دارالعرفان.
۶. جعفری، یعقوب، (بی‌تا)، کوثر، قم، هجرت.

۷. حاجی ده آبادی، محمد علی و علیرضا صادق زاده، (۱۳۷۸)، تربیت اسلامی (ویژه تربیت اخلاقی)، تهران، نشر تربیت اسلامی.
۸. خالقیان، فضل الله، (۱۳۹۲)، جایگاه نماز در قرآن کریم، سنت و سیره معصومین علیهم السلام، رشد آموزش معارف اسلام، شماره ۸۹، صص ۳۳ تا ۳۴.
۹. دستغیب، عبدالحسین، (۱۳۸۶)، استعاده، قم: دفتر نشر اسلامی.
۱۰. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۹)، لغت نامه، تهران، مؤسسه لغت نامه دهخدا.
۱۱. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین، ۱۴۱۳، من لایحضرالفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۲. صمدی، روح الله، (۱۳۸۹ ش)، قرآن کریم فرهنگ عفاف و حجاب: بررسی اهمیت نماز و عفاف از دیدگاه قرآن و روایات، کوثر، شماره ۳۷، صص ۹۶ تا ۱۱۰.
۱۳. طباطبائی محمدحسین، (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: محمد جواد بلاغی تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۱۵. عزیزی، عباس، (۱۳۸۹)، اخلاق نمازگزاران، قم، نشر صلاه.
۱۶. _____، (۱۳۷۸)، تفسیر و پیام آیات نماز، قم، انتشارات نبوغ.
۱۷. فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰)، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۸. فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، (بی تا)، قاموس المحيط، الطبعة الاولى، بیروت: دار الجیل.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷)، الکافی، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
۲۰. مصباح یزدی محمد تقی، (۱۳۹۶)، مشکات هدایت، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
۲۱. معین، محمد، (۱۳۷۵)، فرهنگ فارسی، تهران، زرین.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۴)، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۲۳. هاشمی رفسنجانی، اکبر، (۱۳۸۶)، تفسیر راهنما، قم، بوستان کتاب.